



معرفی کتاب



۲ کتاب پرماجرا



هانیه وهابی

اگر دوستدار خواندن کتاب‌های تخیلی و پرماجرا هستید، خواندن این کتاب را از دست ندهید.

ماجرای داستان از این قرار است که دختر کوچولوی داستان مایک شیرتوی خانه کرد و گفت: «بلند شو تبیل خان مدرسه دیر شد.» بعد باهم راه افتادند. سر راه شیر و کیک و مداد پاک کن خریدند. سمانه خریدش را داد دست آقا شیره تا نگه دارد.

در مدرسه همه چیز خیلی خوب بود. ولی زنگ دوم در مدرسه، سمانه باخشم سر آقا شیره داد کشید. چون هرچه گشت پاک کنش را پیدا نکرد. بچه‌ها به نظر شما چرا دختک ناراحت بود؟ اینکه شیر کیست و چیست و در خانه سمانه چه می‌کند برایتان سؤال نیست؟ خب وقتش است که بقیه داستان را از روی کتاب بخوانید.



آقا شیره
کجارت؟
نویسنده: جعفر
توزنده جانی
میچکا، ۱۴۰۲

اگر دوست دارید بیشتر با زندگی دانشمند بزرگ کشورمان ابوعلی سینا و پدر و مادرش و اتفاقاتی که برای او افتاده است، آشنا شوید این کتاب بهترین است.

پدر ابوعلی سینا عبادا... در بلخ زندگی می‌کرد. او فردی معمولی بود و به عنوان کارمند دولت در دربار سامانی استخدام شد و به بخارا رفت. او وقتی والی بخشی به نام «خورمیش» شد، با ستاره بانواز دوام کرد و صاحب فرزندی شد که نامش را حسین گذاشت.

حسین تا پنج سالگی در روستا بزرگ شد و کارش بازی با مرغ و خروس و گربه و بزغاله و بالا رفتن از درخت‌ها بود، اما وقتی حسین به مکتب خانه رفت همه تازه متوجه شدند او چه نابغه‌ای است. او آن قدر خوب مطالب را یاد می‌گرفت که دیگر کتاب‌های مکتب خانه جوابگویش نبود. برای همین به راسته کتاب فروش‌های شهر بخارا می‌رفت و کتاب تهیه می‌کرد. اگر می‌خواهید بقیه داستان را بدانید، کتاب را بخوانید.

ابوعلی سینا
از مجموعه
مشاهیر خندان
نویسنده: حمید
عبداللهیان
ناشر: میچکا، ۱۴۰۳

